



فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، صفحات ۲۴۲-۲۲۵

مقاله مروری

تدارکات اجتماعی و حکمرانی عمومی نوین*

رضا زارع

استادیار مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور

محمد صفری^۱

دکتری مدیریت دولتی واحد بندر دیلم دانشگاه آزاد اسلامی

(تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۴)

چکیده

هدف از این مقاله، معرفی و نقد کتاب تدارکات اجتماعی و حکمرانی عمومی نوین نوشته جو باراکت، رابین کست، کریگ فورنو است که در سال ۲۰۱۶ میلادی توسط انتشارات روتلج در ایالات متحده آمریکا به چاپ رسیده است. این متن نوآور و مبتکر، با اتخاذ رویکردی آگاهانه، به بررسی راهبردهای نوظهور و جدید نسبت به تدارکات اجتماعی در زمینه حکمرانی عمومی نوین (NPG) و نیز شیوه‌های تدارکات اجتماعی در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا می‌پردازد. این کتاب تحولات در سیاست و عمل در حوزه تدارکات اجتماعی را با توجه به حکمرانی عمومی نوین مورد بررسی قرار داده و تحلیل جامعی در خصوص راه‌اندازی، خرید و تدارکات از دیدگاه تدارکات اجتماعی، ارزش اجتماعی و ارزش عمومی ارائه می‌کند. نویسندگان بر این باورند که تدارکات اجتماعی نیازمند ترکیب منابع و مهارت‌ها و روابطی جدید بین سیاست‌گذاران و کنشگران اقتصادی است.

واژگان کلیدی: پاسخگویی، حکمرانی، رئالیسم انتقادی، شفافیت، اقتدارگرایی.

*- این مقاله به معرفی کتاب زیر می‌پردازد:

Social Procurement and New Public Governance, 2016. by Josephine Barraket, Robyn Keast, Craig Furneaux. Published by Routledge

1- نویسنده مسئول Email: Safarifrs@gmail.com

مقدمه

خط‌مشی‌های جدید سیاسی حاصل از «مدیریت عمومی جدید» (هود، ۱۹۹۵) و پیشرفت‌های اخیر در مدیریت شبکه (کانسیدین، ۲۰۰۵؛ کیکرت، کلین و کوپنجن؛ ۱۹۹۷، سورنسون و تروفینگ ۲۰۰۵) موجب افزایش اهمیت نقش افراد غیردولتی در پیامدهای سیاسی شده است. در این زمینه، به طور اعم کارکردهای بالقوه سیاسی جامعه مدنی و بالاخص سازمان‌های بخش ثالث نظیر بنگاه‌های اجتماعی، خیریه‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، توجه زیادی را در میان اقتصادهای پیشرفته در طی ۱۵ سال گذشته به خود جلب کرده است. اتکای روز افزون دولت به عرضه‌کنندگان بخش ثالث برای طراحی پاسخ‌های نوآورانه به نیازهای اجتماعی پیچیده مستلزم توجه به این نکته است که در همه بخش‌ها، بازارها طوری راه اندازی شوند که بخش ثالث در آنها فعال بماند. حکمرانی عمومی نوین، دیدگاه دیگری را به متخصصان برای شکل دهی به حکمرانی عمومی و خدمات رسانی در عصر پسامدیریت دولتی نوین ارائه می‌کند. این دیدگاه بر اساس تغییرات تفسیرگرایانه در مطالعات سیاسی (رادز، ۲۰۰۷) می‌باشد که در آن طرح و ارائه سیاست دولتی به عنوان یک فرایند رابطه مند در نظر گرفته شده و شامل کنشگران غیردولتی و دولتی چندگانه است (کوی‌من، ۲۰۰۳). در سال‌های اخیر، جست‌وجوی خدمات عمومی مبتکرانه و نوآور، مرتبط و جذاب در مقیاس محلی، به کیمیایی جدید تبدیل شده است. در این راستا، تدارکات اجتماعی رویکردی نو برای پیشینه‌سازی هزینه‌های عمومی و ایجاد ارزش اجتماعی از طریق خرید کالا و خدمات است. این موضوع توجه زیادی را به خود جلب نموده زیرا شیوه‌ای است که از طریق آن دولت‌ها و شرکت‌ها (بنگاه‌ها) قادر به افزایش و تقویت مزایای قدرت خرید هستند و به عنوان سازوکاری محسوب می‌شود که به واسطه‌ی آن، بازارهایی را می‌توان برای بنگاه‌های اجتماعی و سایر سازمان‌های بخش سوم توسعه داد. نگرش جدید در خصوص تدارکات اجتماعی، در سیاست عمومی با پیشرفت‌های اخیر نظیر قانون سال ۲۰۱۲ سرویس دولتی بریتانیا، ارزش اجتماعی و توافق نامه رسمی همکاری اقتصادی بومی داخلی شورای دولت استرالیا، مشروعیت پیدا کرده و به عنوان یک نهاد در بخش عمومی در نظر گرفته می‌شود. هر چند که تاکنون در خصوص تدارکات اجتماعی مطالبی به رشته تحریر درآمده است اما هرگز نتوانسته است نیاز و انتظارات علاقمندان به این موضوع را به خوبی تامین نماید. به همین دلیل پژوهشگران در این مطالعه به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها هستند که: مفهوم تدارکات اجتماعی چیست؟ محرک‌ها و چالش‌های تدارکات اجتماعی کدام است؟ و چگونه می‌توان تدارکات اجتماعی را اجرا و ارزیابی نمود؟

نویسندگان این مقاله در جست‌وجو برای پاسخ به این سؤالات، به معرفی و نقد کتاب تدارکات اجتماعی و حکمرانی عمومی نوین پرداخته‌اند. کتاب مذکور توسط جو باراکت، رابین کست و کریگ فورنکس در ۹ فصل به رشته تحریر درآمده است و حاوی اطلاعات جدید و ارزشمندی برای اساتید، دانشجویان، محققان و متخصصان در حوزه‌های علوم اجتماعی به خصوص

مدیریت دولتی و سیاستگذاری عمومی است. نویسندگان کتاب در فصل نخست به تعریف مفهوم و رویکردهای جدید تدارکات اجتماعی پرداخته‌اند. از نظر آنها تدارکات اجتماعی، در معنای عمومی خود، اشاره به تولید ارزش اجتماعی از طریق خرید کالاها و خدمات دارد. اگرچه تدارکات اجتماعی غالباً به صورت یک اهرم خط مشی دولتی ایجاد شده است، اما خلق ارزش اجتماعی از طریق تصمیمات خرید، محدود به بخش دولتی نیست. امروزه برخی از کسب و کارهای صنفی و تعاونی، قدرت خرید خود را برای نیل به اهداف مسئولیت شرکتی خود صرف می‌کنند. هدف از رویکردهای مختلف در خصوص تدارکات اجتماعی، تولید ارزش اجتماعی بطور مستقیم و غیرمستقیم است که منجر به استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مختلف می‌شود. نویسندگان در ادامه فصل به تحلیل پیشرفت‌های قیاسی در تدارکات اجتماعی در بریتانیا (با تاکید بیشتر و نه منحصر به فرد بر انگلیس)، ایالات متحده آمریکا، کانادا و استرالیا پرداخته‌اند. از نظر آنان دو دلیل برای انتخاب این کشورها وجود دارد. اولین دلیل مربوط به تجربه پیاده سازی و طراحی خط مشی است. زیرا علی‌رغم داشتن امکانات رفاهی مختلف، سیستم‌های سیاسی و کنشگران سیاسی، تغییرات قابل ملاحظه سیاسی در میان کشورهای فوق پس از جنگ رخ داده است که این تغییرات شامل تفاسیر زمینه‌ای دقیق و ظریف مداخلات سیاسی خاص تا رویکردهای برش و جایگذاری تغییرات سیاسی بوده است. تحلیل مثال‌های خاص مربوط به انتقال سیاست در سطح خرد و متوسط، امکان بررسی رابطه بین زمینه و موفقیت برنامه را به آنان داده است. همچنین، این تحلیل‌ها، اطلاعاتی را در خصوص غیر منطقی بودن استدلال‌های سیاسی ارائه می‌دهند که از یک محیط وارد محیط دیگر شده و منجر به نتیجه‌ی عکس شده‌اند. بنابراین، هدف از رویکرد قیاسی اتخاذ شده در این بحث، موجب حذف انتظارات فرهنگی و زمینه‌ای در خواننده می‌شود تا وجوه مشترک و تفاوت‌ها در تجربه‌های قیاسی که ظاهراً در سطح جهانی به عنوان مجموعه‌ای از پیشنهادات برای طراحی و اجرای سیاست، یکسان به نظر می‌رسند را دنبال کند. این موضوع به اعتبار یافته‌های علمی این کتاب افزوده است. البته، پیشرفت‌ها در تدارکات اجتماعی، محدود به کشورهای مطرح شده در این جا نیست. اقدامات ابتکاری در خصوص تدارکات اجتماعی در کره جنوبی و آفریقای جنوبی نیز اتخاذ شده است. بی شک این تجربه‌ها به درک تطبیقی و قیاسی توسعه روش‌ها و استدلال‌های مربوط به تدارکات اجتماعی کمک می‌کنند. نویسندگان در ادامه انواع رویکردهای تدارکات اجتماعی و اهمیت هر کدام از آنها را در قالب جدول (۱) مورد بررسی قرار داده‌اند.

جدول ۱- خلاصه‌ای از انواع تدارکات اجتماعی و اهمیت آن‌ها برای اجرای فرایند تدارکات

ردیف	نوع تدارکات اجتماعی	تاکید	برایند	اهمیت (پیامد)
نوع ۱	از بخش ثالث (ثالث)	تدارکات برنامه‌های اجتماعی از بخش ثالث، با کالای عمومی	مستقیم	مناقصه رقابتی خدمات و کالاهای اجتماعی
نوع ۲	از پیامدهای اجتماعی	تدارکات کارهای عمومی با مزیت اجتماعی اضافی	غیر مستقیم	پیامدهای متعدد (سخت و نرم) بدست آمده در قرارداد
نوع ۳	درصد خدمات از عرضه کنندگان و تأمین کنندگان مزیت اجتماعی	تدارکات کالاها و خدمات سنتی از تأمین کنندگان متنوع	مستقیم	تغییر از مناقصه رقابتی به تبعیض مثبت مسائل مربوط به سیاست رقابت
نوع ۴	کالاهای اخلاقی	تدارکات کالاها و خدمات از تأمین کنندگان مزایای اجتماعی	مستقیم یا غیر مستقیم	تمرکز بر زنجیره ارزش اجتماعی

به منظور درک اینکه چه عاملی باعث جلب توجه به تدارکات اجتماعی شده است، در فصل دو کتاب نویسندگان به محرک‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی تدارکات اجتماعی پرداخته اند. آنان فصل دوم کتاب خود را با تشریح و بحث در مورد برخی از محرک‌های کلیدی در توجه به تدارکات اجتماعی به عنوان یک استراتژی کاربردی و خط مشی مهم آغاز نموده‌اند. از نظر نویسندگان، بسیاری از محرک‌های اولیه برای تدارکات اجتماعی، اطلاعاتی را در خصوص تدارکات اجتماعی ارائه کرده‌اند و روش‌های فعلی تدارکات اجتماعی را شکل داده‌اند. آنان حل مشکلات مداوم ناشی از فقر، نابرابری قومی - مذهبی، مهاجرت و انزوای اجتماعی و نیز تأمین نظم اجتماعی را از جمله محرک‌های شکل دهنده تدارکات اجتماعی برشمرده‌اند. از طرفی تغییراتی چون جهانی شدن، ظهور فناوری‌های نوین، ارتباطات سریع و اینترنت، مهاجرت عظیم به کشورهای جدید، بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی - اقتصادی و محدودیت‌های مالی روز افزون را به عنوان نمونه‌هایی از جمله عواملی می‌دانند که جوامع جهانی را متحول ساخته و اطلاعاتی را در خصوص پذیرش فرایندهای تدارکات اجتماعی ارائه می‌دهند. هر چند که به نظر می‌رسد در اعتقادات و باورهای دینی در جوامع مذهبی، نگرش‌های فرهنگی در جوامع جمع‌گرا و همچنین نگاه‌های ارزشی و اخلاق مدار نیز محرک دیگری برای پیدایش تدارکات اجتماعی بوده است که از دید نویسندگان کتاب مغفول مانده است. نویسندگان کتاب با استناد به یافته‌های موسسه سلامت و رفاه استرالیا (۲۰۱۳)، بیان می‌دارند که در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته، اقلیت‌های زیادی وجود دارند که محرومیت شدید را به دلیل مسائل اجتماعی و اقتصادی تجربه می‌کنند. این موارد شامل موانع نیروی کار، جرم، مسائل قابل پیشگیری مربوط به سلامتی و وابستگی بین نسلی به رفاه هستند. در نتیجه این محرومیت‌ها تکانه‌های فکری برای پیدایش تدارکات اجتماعی بوده است. برای نمونه، در استرالیا علی‌رغم ۳۰ سال رشد اقتصادی مستمر، ۱۳ تا ۵ درصد جمعیت این کشور بهره‌ای از رفاه و رونق اقتصادی ندارند. از دیگر محرک‌های

تدارکات اجتماعی تغییر سیاست‌های اجتماعی و عمومی است. برای مثال، آنها به نقل از گیر (۱۹۹۵)، ذکر می‌کنند که در اروپا رویکرد سیاست اجتماعی نسبت به محرومیت اجتماعی، بر محرومیت بازار کار متمرکز بوده است در حالی که با استناد به یافته‌های ارتورسون و ژاکوب (۲۰۰۴)، در برخی کشورهای دیگر نظیر استرالیا، نیوزیلند و انگلیس این مهم به طور کلی، شامل انواع مشکلات و پاسخ‌های اجتماعی می‌شود. مؤلفان کتاب در فصل سوم، تاریخچه تدارکات اجتماعی را در شرایط خاص مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف آنان از این مطالعه تاریخی، بررسی تنوع اقدامات سازگار با تدارکات اجتماعی و دلایل اساسی آنها و تاثیر روش‌های جدید بر روی تولید ارزش اجتماعی است. آنان تحولات تاریخی و معاصر در ارائه تدارکات اجتماعی را به خوبی مرور نموده‌اند و خاطر نشان ساخته‌اند که رویکردهای مختلف برای تدارک اجتماعی ریشه در فعالیت‌های جمعی جامعه مدنی در کنار ایجاد وضعیت رفاهی و پیشرفت‌های بعدی در چارچوب‌های مدیریت دولتی دارند که در واقع به دنبال ایجاد ارزش اجتماعی از طریق خرید عمومی هستند. در مرور تاریخچه تدارکات اجتماعی، باراکت و همکاران، بیان می‌دارند که از اواسط قرن ۱۹ تا قرن ۲۰ استفاده بیشتر و عامدانه از تدارکات عمومی به عنوان سازوکاری برای بررسی رشد و دستیابی به اهداف سیاست‌های اجتماعی به ویژه کاهش بیکاری و شرایط نامساعد محیط کار، که تهدیدات اصلی برای انسجام و پیوستگی اجتماعی در نظر گرفته می‌شدند، صورت گرفته است. آنان به استناد نظر برخی از پژوهشگران مانند هابرماس (۱۹۸۱)، بر این باورند که ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید در دهه ۱۹۶۰ نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های جبران بی‌عدالتی‌های گذشته نسبت به اقلیت‌ها با رویکردهای جدید تدارکات اجتماعی ایفا کرده است. برای نمونه در ایالات متحده، جنبش حقوق مدنی به صورت خاص منجر به توسعه قانون گذاری در این خصوص شده است. باراکت و همکاران به نقل از مک کرودن (۲۰۰۴)، ایجاد سیاست‌های به اصطلاح «تبعیض جبرانی» که شامل حمایت از کسب و کارهای کوچک در قراردادهای دولتی بود را نمونه‌ای از این موارد بر شمرده‌اند. ارتباط قرارداد دولتی با اهداف مشارکت اجتماعی - اقتصادی از تبعیض جبرانی در سایر اختیارات قانونی، مانند کشور کانادا جایی که برنامه پیمانکارهای فدرال، که در سال ۱۹۸۶ به اجرا در آمد، موجب پیوند تعهدات عدالت اشتغال پیمانکارهای دولتی هم در سطح فدارل و هم در سطح ایالتی شده است. در اجرای تدارکات اجتماعی وجود سیاست‌های تبعیض جبرانی یا تبعیض مثبت در جهت حمایت از نیازمندان و تحقق عدالت اجتماعی بسیار با اهمیت می باشد که نویسندگان با ذکر مثالهایی در کتاب به خوبی به تبیین آن پرداخته‌اند. نویسندگان کتاب ضمن مرور تاریخی دولت رفاه، تدارکات سبز و توسعه پایدار و نقش این رویکردهای اجتماعی بر تدارکات اجتماعی به نقش نهادهای ملی و بین‌المللی در توسعه دستورالعمل‌ها و قوانین تدارکات اجتماعی پرداخته‌اند. آنها معتقدند که سازمان‌های جامعه مدنی از قبیل: سازمان‌های دولتی، چندملیتی و فراملیتی مانند: سازمان ملل متحد، کمیسیون اروپا و سازمان بین‌المللی استانداردها (ایزو) نقش مهمی در پذیرش

دستورالعمل‌های تدارکات اجتماعی ایفا کرده‌اند. آنان به نقل از (رویس، ۲۰۰۷)، اذعان می‌دارند که در سطح ملی، بریتانیا به طور هدفمند در حیطه مدیریت، ابتدا در تدارکات پایدار و سپس در تدارکات اجتماعی از اواخر دهه ۱۹۹۰ نقش فعال و موثری داشته است. مؤلفان کتاب در ادامه این بخش به دو نمونه از دستیابی به اهداف اجتماعی - اقتصادی در قراردادهای سستی در زمینه ارائه تدارکات عمومی اشاره نموده‌اند. اولین نمونه مربوط به پروژه بیکاری خلبانان ایرلند شمالی هست که به عنوان بخشی از یک ابتکار وسیع تر به منظور پیشبرد اهداف اجتماعی و اقتصادی محلی از طریق ارائه تدارکات عمومی شکل گرفته بود. این پروژه شامل قراردادی می‌شد که در آن تامین کنندگان خدمات موظف بودند بیکاران نام نویسی شده را در پروژه های خود مشغول به کار کنند. نمونه دیگر از اجرای تدارکات اجتماعی، در ایالت ویکتوریای کشور استرالیاست که با استناد به گزارش دولت ایالتی ویکتوریا در سال ۲۰۰۹ در یک طرح اشتغال عمومی مستاجرین رقم خورده است. در این طرح، به مستاجرین مسکن عمومی فرصت‌هایی از قبیل آموزش برای توسعه مهارت‌ها، اعتماد به نفس و صلاحیت‌ها ارائه می‌شد، همچنین به افراد مستاجر درباره موقعیت‌های خالی که منجر به اشتغال کامل و یا نیمه وقت می‌شود، اطلاعات داده می‌شد. وزارت مسکن ویکتوریا طرح استخدام مستاجرین مسکن عمومی که بخشی از نیروی کار قراردادهای مسکن عمومی را تشکیل می‌داد توسعه داد. با اجرای این طرح برای صدها مستاجر مسکن عمومی، فرصت پایدار شغلی برای به دست آوردن شغل‌های همیشگی ایجاد گردید. باراکت و همکاران، با توجه به نظرات پل و ویل (۲۰۰۹)، به دو منفعت از مزایا و منافع تدارکات اجتماعی تاکید نموده‌اند. اولین منفعت تدارکات اجتماعی از نظر آنان پتانسیل ارائه خدمات در جهت ایجاد نوآوری اجتماعی است و این به معنی ارائه ایده‌های جدید با پتانسیل بهبود کیفیت یا کمیت زندگی می‌باشد. مزیت احتمالی دوم این است که تدارکات اجتماعی می‌تواند با انجام همزمان اهداف تجاری، اقتصادی و اجتماعی، ارزش بیشتری برای هزینه‌های عمومی ایجاد کند. با این حال، آنها با استناد به یافته‌های بارلو، کوبرل-گیسر (۲۰۰۸)، با ذکر مثال‌هایی ادعا می‌کنند که همه مدل‌های رابطه‌ای ارائه تدارکات دولتی، شامل مزایای نوآوری و بهره‌وری نمی‌شوند. فصل چهارم کتاب تدارکات اجتماعی و حکمرانی عمومی نوین به سازمان دهی و تامین کنندگان منابع تامین اجتماعی اختصاص دارد. از نظر نویسندگان ارائه تدارکات اجتماعی نتیجه ارائه عمدی خدمات با پیامدهای اجتماعی است با این حال، آنان چهار رویکرد قابل شناسایی برای ارائه تدارکات اجتماعی را در قالب جدول (۲) شرح داده‌اند.

جدول ۲- انواع تدارکات اجتماعی

نتایج			تدارکات اجتماعی
غیرمستقیم	مستقیم	تدارکات از نتایج اجتماعی	
نوع: ۲ تدارکات از نتایج اجتماعی موجود در کالاهای عمومی، مانند فعالیت‌های سرمایه‌ای	نوع: ۱ تدارکات از خدمات اجتماعی	تدارکات از سازمان-های جامعه مدنی	
نوع: ۴ مدیریت زنجیره تأمین اخلاقی	نوع: ۳ تدارکات حاصل از مزایای اجتماعی سازمان‌ها		

برگرفته از فورنو و باراکت (۲۰۱۴)

اولین نوع تامین تدارکات اجتماعی (نوع ۱)، شامل خرید مستقیم محصولات اجتماعی می‌شود. دومین نوع تامین تدارکات اجتماعی (نوع ۲)، به دنبال تحقق بخشیدن به محصولات اجتماعی به عنوان یک جنبه غیرمستقیم قرارداد است. به عنوان مثال، ایجاد اشتغال در پروژه بزرگراه، این رویکرد در توضیحات مندرج در دستورالعمل‌های مربوط به تامین تدارکات اجتماعی منتشر شده توسط دولت ایالت ویکتوریا در استرالیا منعکس شده است. سومین رویکرد (نوع ۳)، اختصاص درصدی از کار به سازمان‌های سودآور اجتماعی است. یکی از دلایل اصلی تخصیص درصدی مشخص یا یک پروژه برای سازمان‌های سودآور اجتماعی (اغلب شرکت‌های اجتماعی)، ایجاد قابلیت مدیریت کردن اندازه پروژه و اجرای آن برای یک سازمان کوچک است. یکی از چالش‌های سازمان‌های سودآور اجتماعی، برای ارائه تدارکات به کارهای دولتی این است که آنها اغلب فاقد ظرفیت برای ارائه قراردادهای بزرگ هستند در نتیجه یک راه برای توسعه ظرفیت آنها این است که قراردادهای کوچکتری را به طور خاص با این گروه‌ها بسته شود و گروه‌های بزرگتر را از مناقصه حذف کنند. راه حل دیگر این است که از پیمانکاران خواسته شود برای تعامل با سازمان‌های سودآور اجتماعی به عنوان قراردادهای فرعی استفاده شود. در رویکرد چهارم (نوع ۴)، پیامدهای اجتماعی می‌تواند در فرآیندهای اجرای تدارکات از طریق مشارکت مسئولیت‌های اجتماعی شرکت در زنجیره تامین خدمات گنجانده شود. با ارزیابی ارائه تدارکات به صورت طیف وسیعی از خدمات و نه فقط خرید مستقیم محصولات، دولت‌ها، سازمان‌های بخش ثالث و شرکت‌های تجاری می‌توانند دامنه‌ی نتایج ارائه تدارکات اجتماعی خود را گسترش دهند. در ادامه فصل چهارم کتاب، نویسندگان عناصر کلیدی سازماندهی که ارائه تدارکات اجتماعی را فعال یا محدود می‌کنند را با تمرکز خاص بر قوانین، عوامل موثر در روابط و منابع به نقل از (اسکات، ۲۰۰۸)، مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان قوانین، روابط و منابع را عناصر کلیدی محیط سازمانی نامیده‌اند و بیان می‌کنند که قوانین سازمانی موجب انواع خاصی از رفتار می‌شوند و همچنین انواع دیگر رفتار را تحت تاثیر قرار می‌دهند. آنان به نقل از اوستروم (۲۰۰۹)، قوانین را به این صورت تعریف کردند: «قوانین همان مفهوم مشترک بین کسانی است که شامل آن می‌شوند و اعمال مختلف را ضروری، غیرمجاز و یا مجاز قلمداد می‌کنند». قوانین بازی در تامین تدارکات اجتماعی بدین معنی است که این قوانین نشان می‌دهند که سازمان چه

نقشی می‌توانند در تامین تدارکات اجتماعی داشته باشند. یکی از روش‌هایی که در آن ارزش‌ها و هنجارهای مؤسساتی متبلور می‌شوند، ایده نقش‌ها می‌باشد. نویسندگان کتاب با استناد به یافته‌های بکرت (۲۰۱۰)، بیان می‌کنند که در هر زمینه مؤسساتی، سازمان‌ها ممکن است انواع نقش‌ها را به خود بگیرند. جامعه یک سری انتظارات درباره نقش‌هایی دارد که سازمان‌های مختلف باید به عهده بگیرند، دارد. برای نمونه در بریتانیا حمایت بخش ثالث از جانب بنگاه اجتماعی نقش عمده‌ای در بحث خرید اجتماعی در برنامه عمومی دارد. شرکت اجتماعی بریتانیا در شکل‌گیری قانون بنگاه حامی جامعه در انگلستان به ویژه قانون خدمات عمومی ۲۰۱۲ نقش مهمی داشت. در سطح فراملی و منطقه‌ای، شبکه توسعه پایدار در خرید اجتماعی، شبکه اتحادیه تجاری و سازمان‌های غیردولتی است که هدف مشابهی در ارتقای جوانب اجتماعی و محیطی در خط‌مشی‌ها و قانون‌گذاری اتحادیه اروپا دارد، این در حالی است که استرالیا و نیوزلند خرید اجتماعی را به عنوان ابزاری برای تغییر در منطقه خود پیش می‌برند. نویسندگان به نقش واسطه‌ها در تدارکات اجتماعی نیز توجه داشته‌اند و در این زمینه نمونه‌هایی را مثال زده‌اند. از نظر آنان واسطه‌ها، نقش مشروعی به عنوان منبع دانش کارشناسی در زمینه بهترین فعالیت با توجه به فعالیت خرید اجتماعی ایفا می‌کنند. اخیراً تعداد واسطه‌هایی که این نقش را ایفا می‌کنند در کشورها زیاد شده است. اسکاتلند چند گروه واسطه دارد. برای مثال، شبکه‌های بنگاه اجتماعی «صدای گروهی» جهت پشتیبانی از هم‌گروهان و اشتراک‌گذاری منابع برای نهادها و بنگاه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، در حالی که شرکت‌های اجتماعی اسکاتلند از توسعه شرکت‌های اجتماعی حمایت نموده و در پی آن هستند که بر خط‌مشی و تحقیقات تاثیر بگذارد. «تاجران اجتماعی» مثال دیگری از واسطه‌ها هستند که مأموریت آنها ارتقای نهادهای اجتماعی در استرالیا از طریق توسعه فعالیت‌ها، توسعه منابع، مشاوره و تحقیق است. در کانادا، نهادهای اجتماعی کانادا در پی ایجاد سازمان‌های غیرانتفاعی و جوامع، بیشتر با توسعه و حمایت از بنگاه‌های اجتماعی هستند. از نظر نویسندگان کتاب در حالی که قوانین، نقش‌ها و روابط در تدارکات اجتماعی اهمیت دارند، اما منابع تدارکات اجتماعی نیز اعم از محسوس و نامحسوس حائز اهمیت‌اند آنان نقش منابع را به عنوان حامی ارائه تدارکات اجتماعی مورد بحث قرار داده به نوع منابع و کارکرد آن در قالب جدول (۳) پرداخته‌اند.

جدول ۳- نوع منابع و کارکرد آنها در پدیدار شدن خرید اجتماعی

نوع منبع	مثال‌های مربوط به خرید اجتماعی	کارکردهایی در زمینه مؤسساتی نوپدید
دانش و اطلاعات	رهنمودها، مطالعات موردی	به کارگیری فعالیت جدید
سرمایه مالی	ابزارهای تامین مالی جدید برای سرمایه‌گذاری اجتماعی	جهت‌گیری مجدد فعالیت از طریق جریان‌ات سرمایه
سرمایه انسانی	منطق حرفه‌ای و فعالیت‌ها	تاثیر قوی بر فرهنگ سازمانی و اتخاذ فعالیت
سرمایه اجتماعی	فعالیت‌ها و شبکه‌های حرفه‌ای	ارتباط با فراساختار زمینه مؤسساتی از طریق شکل‌گیری فراساختار اجتماعی

نویسندگان کتاب به نمونه هایی از تدارکات اجتماعی با منشاء منابع نامحسوس اشاره کرده اند، برای مثال در کانادا، نهادهای اجتماعی، اساس ایجاد ارزش اجتماعی را فراهم می کنند. در استرالیا، منابع دانش به طور ویژه در درجات محلی و ایالتی مربوط به اجرا، رهنمودهای مربوط به تدارکات اجتماعی را تثبیت و توزیع می کنند که تاکید ویژه ای بر خرید از طریق بنگاه های اجتماعی دارد. با توجه به اینکه تدارکات اجتماعی بر محور ارزش آفرین در جامعه شکل می گیرد بی شک این ارزش ها می توانند ملموس و غیر ملموس باشند که نویسندگان کتاب به خوبی به آن توجه داشته اند و در قالب جدول به دسته بندی آن پرداخته اند. یکی دیگر از ویژگی های مهم این کتاب که در تمامی فصول قابل مشاهده است استفاده از مثال ها و مصادیق است که باعث می شود تا خواننده فهم بهتری از موضوعات مطرح شده پیدا کند. در فصل پنجم نویسندگان به ارتباط بین تدارکات اجتماعی، بخش تعاونی و مسئولیت اجتماعی پرداخته اند. آنان به این نتیجه رسیده اند که اگرچه خاستگاه مسئولیت اجتماعی شرکتی در سطح شرکت است، اما بنگاه ها یا شرکت ها هم به عنوان مؤسسان و هم اعضای زنجیره های تأمین، نقش های متغیر مسئولیت اجتماعی شرکتی مرتبط با تدارکات اجتماعی را ایفا می کنند. نویسندگان با اقتباس از کاریگا و مل (۲۰۰۴)، در خصوص رویکرد سازمان ها نسبت به مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی چهار رویکرد را در قالب جدول (۴) نشان داده اند.

جدول ۴- رویکرد سازمان ها نسبت به مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی

نقش مسئولیت اجتماعی شرکتی	دیدگاه کسب و کار	رویکرد
به عنوان ابزاری برای سود، معتبر است	کسب و کارها برای سود وجود دارند	ابزاری
یک تعهد و الزام اجتماعی است	کسب و کارها در جامعه وجود دارند	سیاسی
برای عملکرد یک کسب و کار ضروری است	وجود کسب و کارها منوط به جامعه است	تلفیقی
یک وظیفه اخلاقی است	کسب و کارها دارای التزامات و تعهدات اخلاقی هستند	اخلاقی

اقتباس شده از کاریگا و مل، ۲۰۰۴

رویکردهای ابزاری نسبت به مسئولیت اجتماعی شرکتی بر این اساس است که هدف کسب و کارها یا بنگاه های تجاری، سودآوری است. استدلال این رویکرد این است که شرکت ها باید به گونه ای عمل کنند که عملکرد اقتصادی بلند مدت آن ها با اجتناب از آسیب های اجتماعی یا محیطی حفظ شود. رویکرد دیگر، رویکردهای سیاسی در مورد مسئولیت اجتماعی شرکتی است. مفاهیم سیاسی مسئولیت اجتماعی شرکتی از این منظر پیروی می کنند که کسب و کار، یک تعهد اجتماعی است و باید به قرارداد های اجتماعی عمل کند تا بتواند مؤثر واقع شود. این قرارداد های اجتماعی شامل مجموعه ای از تعهدات نسبت به جامعه بوده و مبتنی بر این مفهوم است که کسب و کارها از جوامعی که در آن قرار دارند، جدایی ناپذیرند. از این دیدگاه، گزارش مسئولیت اجتماعی شرکتی شامل تعهدات پاسخگویی و مسئولیت پذیری است. سومین رویکرد، رویکردهای مسئولیت اجتماعی شرکتی تلفیقی است. رویکردهای تلفیقی، از این نظر که کسب

و کارها را وابسته به جوامع مربوطه می‌دانند با دو رویکرد قبلی متفاوت هستند. مؤلفان با استناد به نظر پورتر و کرامر (۲۰۰۶)، اذعان می‌دارد که این دیدگاه حاکی از آن است که کسب و کارها، اعضای فعال همه جوامع بوده و بایستی در سیاستگذاری مشارکت کنند و همچنین به نقل از آگل، میشل و سنفلد (۱۹۹۹) می‌گویند که کسب و کارها در متن جامعه قرار دارند و با طیف وسیعی از ذینفعان سروکار دارند. این رویکرد برگرفته از نظریه برجستگی ذی نفع است که اظهار می‌کند سازمان‌ها (یا مدیران آن‌ها) به دنبال برآورده کردن انتظارات و کنترل تأثیر ذی‌نفعان مختلف بر اساس قدرت نسبی و برجستگی این ذی‌نفعان هستند. باراکت و همکاران با استناد به بین (۲۰۱۰)، نشان می‌دهند که برای نمونه استفاده از قراردادهای توافق‌نامه‌های اجتماعی در ایالات متحده، سازوکاری است که از طریق آن تولیدکننده‌ها، مجوز اجتماعی را از طریق مذاکره و تعهد نسبت به اهداف اجتماعی اقتصادی تعیین شده با جوامعی که در آن پیشرفت‌های جدید شروع می‌شوند، دریافت می‌کنند. علاوه بر تمثیل‌ها و مصادیق فراوانی که در این کتاب به کار رفته است از دیگر محاسن این کتاب دسته‌بندی موضوعات و ارائه آن در قالب جداول می‌باشد بی‌شک ارائه مطالب در قالب جداول علاوه بر رعایت اختصار همانند مثال‌ها و مصادیق، فهم بهتری از موضوع به خواننده ارائه می‌کند. با توجه به یافته‌های لیبسی (۲۰۱۴)، نویسندگان اذعان می‌دارند که، در برخی صنایع و حوزه‌ها، دولت‌ها، به عنوان ذی نفع ثالث عمل می‌کنند. برای مثال، در صنعت استخراج معدن استرالیا، طرح‌های دولت ایالتی نظیر دستورالعمل‌های کویزلند در خصوص توسعه طرح‌های اجتماعی منعکس‌کننده افزایش توجه بر کنترل تعاملات بین شرکت‌ها و جوامع و در راستای ایجاد پیامدهای اجتماعی مثبت فعالیت‌های شرکتی و تعاونی و کاهش پیامدهای منفی است. چهارمین رویکرد، رویکردهای اخلاقی نسبت به مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌باشد. با استناد به نظر کاریگا و مله (۲۰۰۴)، مؤلفان دریافتند که رویکرد نهایی نسبت به مسئولیت اجتماعی شرکتی، بر مبنای مفاهیم اخلاقی بوده و بر تعهد کسب و کارها و بنگاه‌ها جهت انجام رفتارهای اخلاقی صرف نظر از زمینه یا پیامدها متمرکز است، همچنین آنها با اذعان به یافته‌های دونالدسون و پرستون (۱۹۹۵)، خاطر نشان کرده‌اند که اگرچه رویکردهای ابزاری برای مدیریت ذینفع وجود دارد اما یک رویکرد جایگزین برای آن، رویکرد هنجاری یا معیاری است. در پایان این فصل، نویسندگان به معرفی نوع شناسی تدارکات اجتماعی در قالب جدول (۵) پرداخته‌اند.

جدول ۵- نوع شناسی تدارکات اجتماعی

برایندها		تدارکات از پیامدهای اجتماعی (تاکید بر قرارداد)	تدارکات از ارائه کنندگان خدمات اجتماعی (تاکید بر مناقصه)
غیر مستقیم	مستقیم		
نوع ۲: تدارکات مزایای اجتماعی در کارهای سرمایه گذاری	نوع ۱: تدارکات خدمات اجتماعی از سازمان‌های بخش ثالث		
نوع ۴: مدیریت زنجیره تأمین اخلاقی	نوع ۳: تدارکات خدمات غیرسستی از عرضه کنندگان مختلف		

ارائه خدمات اجتماعی و ارزش محور از لحاظ تاریخی به وسیله طیف وسیعی از فرایندهای تدارکات و اشکال حکمرانی رخ داده است. در این فصل، نویسندگان نشان می‌دهند که ارزش اجتماعی و تدارکات آن از طریق چهار رژیم طراحی و تحویل پیش برده شده‌اند که این چهار گونه، از عناصرهای حاصل از مجموعه‌ای از حالات حکمرانی نشأت گرفته است. گرچه حکمرانی عمومی نوین عناصری از همه حالات را گردهم می‌آورد، اما حکمرانی شبکه‌ای غالب است و واقعیت پیچیده فوق ترکیبی از طراحی، تهیه و تحویل کالا و خدمات عمومی در جامعه معاصر را برجسته می‌کند. این امر دلالت بر مسیری دارد که از طریق آن تدارکات اجتماعی ارائه شده و کنشگران دخیل می‌شوند. آنان ضمن اشاره به گونه‌ها و حالت‌های حکمرانی بیان می‌دارند که در ادبیات مدیریت عمومی بر اساس یافته‌های فرانسس، لواسیک، میشل و تامپسون (۱۹۹۱)، سه حالت حکمرانی غالب وجود دارد: دولت، بازار و جامعه یا رویکردهای شبکه‌ای. گونه دولت، بر ساختار سلسله مراتبی متکی است و از اختیار قانونی به عنوان وسیله‌ای برای هماهنگ کردن رفتار اعضا استفاده می‌کند تا آنها طبق برنامه‌ریزی انجام شده عمل کنند. همچنین این رویکرد بالا به پایین جهت طراحی و تحویل خدمات عمومی را تعیین می‌کند. گونه بازار متشکل از افراد و شرکت‌هایی است که از طریق معاملات کوتاه مدت و با قیمت روزمره بر اساس عرضه و تقاضا عمل می‌کنند، حالت بازار به طور عمده بر ترتیبات قراردادی قانونی و علائم قیمت تکیه می‌کند تا تأمین کنندگان و خریدارهای پراکنده را برای مبادلات مختصر و دقیقاً مشخص گردهم جمع کند. نویسندگان کتاب با توجه به نظر کیکرت، کلین و کوپنجن (۱۹۹۷)، ادعان می‌دارند که در مقابل، هماهنگی حکمرانی شبکه‌ای از طریق اصول سازماندهی اجتماعی یا جمعی حاصل می‌شود. با توجه به ادبیات موجود پیرامون حاکمرانی و بر اساس مطالعات پاول (۱۹۹۰) و کیست، براون و مندل (۲۰۰۶)، باراکت و همکاران در قالب جدول (۶) عناصر اصلی هر یک از این گونه‌های حکمرانی و سازوکارهای ادغام مرتبط با آنها و کانون‌های مدیریت و رویکرد تدارکات را به شکل مناسبی نشان داده‌اند.

جدول ۶- گونه‌های حکمرانی

حالت‌های حکمرانی	بوروکراسی	بازار	شبکه
تمرکز بر نتایج	قطعی	کارایی	بازتابندگی
روابط	سلسله مراتبی	مستقل قراردادی	اجتماعی / جمعی
وابستگی متقابل	کم-گرایش به سمت وابستگی	کم-گرایش به استقلال	زیاد
مکانیزم‌های یکپارچه سازی	اختیار قانونی، قوانین رسمی، مقررات، دستورالعمل‌ها، سیاست‌ها، رویه‌ها	معاملات قراردادی در شرایط متعارف، قیمت، عرضه و تقاضا	تبادل اجتماعی، چشم انداز مشترک، اعتماد، روابط متقابل
ترتیبات نهادی	بخشها، کمیته‌ها، کارگروه‌های متخصص	مشارکت، ادغام‌کنندگان، اتحادیه‌ها، مالکیت‌ها	قراردادها، توافقات، جداول مذاکره، شبکه‌بندی غیر رسمی
پیچیدگی مسائل	بزرگ مقیاس، اغلب منحصر به فرد، اما پیچیده نیستند	پیچیدگی متوسط	پیچیده
پاسخگویی	به نخبگان و مردم	به خود، هیئت مدیره، سهامداران، اعضا	به گروه - داخلی
دامنه فرصت طلبی	کم / توسط قوانین محدود می‌شود	بالا / از طریق ترتیبات کوتاه مدت تشویق می‌شود	متوسط / به وسیله روابط بلندمدت واسطه‌گری می‌شود

بر اساس مطالعات پاول (۱۹۹۰) و کیست، براون و مندل (۲۰۰۶)

محققان معتقدند که حکمرانی عمومی نوین بصورت واقع‌گرایانه‌تر، پیچیدگی‌های جمعی و کثرت‌گرایی حکمرانی معاصر را در بر می‌گیرد. نویسندگان با استناد به کپنجن (۲۰۱۲)، اذعان می‌دارند که: حکمرانی شبکه‌ای مستقل از ترتیبات سلسله‌مراتبی و حکمرانی عمومی نوین مانند {مدیریت عمومی جدید} عمل نمی‌کند. در عوض، همراه با این ترتیبات و به عنوان یک جزء ضروری و قاطع از یک گروه جامع‌تر و ترکیبی عمل می‌کند. شبکه‌ها در اشکال مختلف مدتهاست که سنگ بنای ارائه خدمات اجتماعی و تولید ارزش اجتماعی بوده‌اند. باراکت و همکاران به نقل از اسمارک (۲۰۰۹)، بیان می‌کنند که حکمرانی عمومی نوین همچنین به شبکه‌ها تکیه کرده است. با این حال، این شبکه‌های عمل بعدی هستند که عمده با سایر سبک‌های حکمرانی و دستگاه‌های مرتبط با آن برای ایجاد هیبریدهای سازمانی به منظور دستیابی به کالای اجتماعی و عمومی به بهترین نحو، ترکیب شده‌اند. در خصوص مهارت‌های لازم برای توسعه حکمرانی شبکه‌ای محققین معتقدند که تغییر گونه‌های حکمرانی نیازمند گسترش مجموعه مهارت‌هایی است که مدیران و کارگزاران شبکه عمل بعدی جهت انجام کار موثر به آن احتیاج دارند. آنها همچنین با استناد به یافته‌های شماری از دانشمندان برای مثال، کست و مندل (۲۰۱۴) و گلیبا، میک و زیا، (۲۰۱۰)، شروع به جداسازی صلاحیت‌های مختلف ضروری برای کار در محیط‌های ترکیبی و پیچیده، از جمله ایجاد و مدیریت روابط، قابلیت رهبری پراکنده و مشارکتی، مذاکره و کار کردن با وجود ابهام کرده‌اند. در سطح گسترده‌تر حکمرانی عمومی نوین و شبکه‌های عمل بعدی احتمالاً بحث‌های قدیمی درباره مبانی دموکراتیک تصمیم‌گیری و ارزش عمومی در ارتباط با تدارکات اجتماعی را مطرح می‌کنند. نویسندگان کتاب در فصل هفتم به شیوه‌های

ارزیابی و سنجش ارزش‌های اجتماعی پرداخته و توضیح داده‌اند که روش‌های ارزیابی و مقایسه ارزش اجتماعی، اقدامات ابزاری نیستند بلکه هر دو توسط هنجارسازی در این حوزه سازمانی شکل گرفته‌اند و در آن نقش دارند. با این حال سؤال این است که ارزش اجتماعی چیست؟ و این که در فرایند تدارکات اجتماعی، چگونه محاسبه و ارزیابی می‌شود؟ استدلال اصلی آنان این است که ارزیابی ارزش اجتماعی در تدارکات اجتماعی، نه یک فرایند ابزاری ساده، بلکه یک فرایند هنجاری است که دارای پیامدهای بالقوه قوی برای ایجاد مشروعیت نمادین نتایج و خروجی‌های خاص و مجدداً قرار دادن تصمیم‌گیری راهبردی در سازمان‌ها است. آنان در ادامه با استناد به یافته‌های مک‌کراون (۲۰۰۴)، به محرک‌های ایجاد علاقه به اندازه‌گیری ارزش اجتماعی اشاره نموده و بیان می‌کنند که نمونه‌های اولیه تدارکات اجتماعی توسط بخش دولتی، از خرید عمومی برای شکل دهی به شیوه‌های کار منصفانه عمومی در بریتانیا و تحریک فرصت‌های اشتغال برای افراد معلول در آمریکا استفاده شده است. در این زمینه، مانند نمونه‌های معاصر، خرید عمومی به عنوان اهرمی برای دست‌یابی به اهداف اجتماعی خاص علاوه بر اهداف خرید اولیه استفاده شده است. از ویژگی بارز این رویکردها، افزایش انطباق سازمان‌ها و آژانس‌های دولتی با دستور کارهای پیشرفت اجتماعی و تحریک فعالیتی است که از برایندهای اجتماعی در میان گروه‌های حاشیه‌ای درون شهروندان پشتیبانی می‌کند. نویسندگان کتاب با توجه به نظر هود (۱۹۹۵) و کانسیدین (۲۰۰۱) معتقدند ظهور مدیریت دولتی نوین در دهه ۱۹۸۰ میلادی، منجر به تغییر توجه در مخارج دولتی از ورودی‌ها به خروجی‌ها و یا بر اساس یافته‌های یا مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی که «آنچه انجام شده است» را تجویز می‌کند، گردیده است. همچنین باراکت و همکاران با استناد به یافته‌های کانسیدین (۲۰۰۵)، هاجر و وگنر (۲۰۰۳) و رادز (۱۹۹۷)، سورنسون و تورفینگ، ۲۰۰۵ اذعان می‌کنند که تکرارهای اخیر حکمرانی شبکه‌ای ظاهراً بر برایندها، یا اثرات آنچه که انجام شده است و نیز تکیه بر شیوه‌های توزیعی تولید برایندها از طریق طیف وسیعی از کنشگران دولتی و غیر دولتی تأکید می‌کند. این رژیم‌های حکمرانی اخیر، منجر به افزایش علاقه به ارزش‌آفرینی اجتماعی به عنوان برایندها مداخلات عمومی، خصوصی و بین‌بخشی شده‌اند. همچنین آنها به نقل از کاپلان (۲۰۰۱) و کاپلان و نورتون (۱۹۹۶) معتقدند که از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، شاهد ظهور سیستم‌های اندازه‌گیری و مدیریتی هستیم که فراتر از شاخص‌های مالی، اقدام به ارزیابی ارزش‌آفرینی بلند مدت سازمان‌های خصوصی انتفاعی و غیر انتفاعی کرده‌اند. نویسندگان محدودیت‌های ابزارهای اندازه‌گیری موجود، همراه با بحث‌های جدید در خصوص ماهیت و اهمیت تشخیص ارزش اجتماعی را بر اساس نظرات امرسون (۲۰۰۳)، نیکولز (۲۰۰۹)، پورتر و کرامر (۲۰۱۱)، به خوبی عنوان کرده و می‌گویند که رشد هم‌زمان چارچوب‌ها و روش‌های اندازه‌گیری که به دنبال دریافت برایندهای ناملموس و جامع مداخلات اجتماعی، سازمان‌های عام‌المنفعه و فعالیت‌های ارزش‌افزوده هستند، را تحریک کرده است. آنها با استناد به تحقیقات توان (۲۰۰۸) به روش‌های

ارزیابی تدارکات اجتماعی پرداخته اند هر چند که بر این باورند که روش های ارزیابی تدارکات اجتماعی محدود به این موارد نیست. تحلیل هزینه- فایده اجتماعی، حسابداری و حسابرسی اجتماعی، نرخ بازده اجتماعی سرمایه گذاری ابزارهای افزایشده اقتصاد محلی نظیر LM3، نرخ بازده اجتماعی سرمایه گذاری، غالب‌ترین رویکرد اندازه گیری جدید در برخی کشورها بوده و بر توسعه برخی روش های جایگزین دیگر تأثیر گذاشته است. نویسندگان کتاب با استناد به میلار و هال (۲۰۱۳) و شومن (۱۹۹۵) عنوان می‌دارند که علی رغم معطوف شدن توجه عمومی به برخی حوزه‌ها، تقریباً هیچ شواهد تجربی وجود ندارد که نشان دهد همه روش های جدید ارزیابی ارزش اجتماعی که تاکنون بحث شده‌اند دارای مشروعیت کاربردی از حیث تحریک خرید بیشتر و سرمایه گذاری در سازمان‌های تأثیرگذار اجتماعی هستند. شواهد مربوط به تصمیمات خرید در رابطه با ارزش اجتماعی، اندک هستند. آنها به نقل از لیندسی، آزیورن و باند (۲۰۱۴) و مانوز (۲۰۰۹)، اذعان می‌دارند که مطالعات اخیر در بریتانیا، نشان داده‌اند که از یک سو، نهادهای راه‌اندازی دولتی تمایلی برای استفاده از ابزارها یا شواهد ناشی از ابزارها- نظیر روش های نرخ بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری ندارند -آنها این روش‌ها را آزمون نشده می‌بینند، از سوی دیگر سازمان‌های بخش ثالث تمایلی برای سرمایه‌گذاری در روش های سرمایه‌گذاری عملکرد که مطمئن نیستند بطور قابل توجهی بر شیوه راه‌اندازی دولتی تأثیر بگذارند، ندارند. با توجه تحقیقات هرلوک (۲۰۱۴)، که با نماینده‌های دولتی در بریتانیا انجام شده است، باراکت و همکاران بیان می‌کنند که فقدان ابزارهای ارزیابی کاربر پسند توأم با ابهام مفهوم ارزش اجتماعی، موانع عمده برای تدارکات اجتماعی هستند. در ادامه روش های اندازه گیری ارزشهای اجتماعی در قالب جدول (۷) نشان داده شده است.

جدول ۷- روش های تعیین و اولویت‌بندی ارزش اجتماعی در فرایندهای تدارکات اجتماعی

روش‌ها	منبع مجاز	اقدامات
نگرش‌های ابزاری	دانش قانونی	استفاده از دستورالعمل‌های دولتی و
یا فراهم‌سازنده محور	(استانداردهای دولتی یا صنعتی)	صنعتی برای تعیین اولویت‌ها و روش‌ها
تکیه بر پروکسی‌ها و	دانش کارشناسی و بازتاب	خرید ترجیحی از بخش سوم یا ارائه کنندگان مزیت اجتماعی
استانداردها	اخلاقی (جامعه‌ی مدنی فراملی)	بکارگیری استانداردهای فراملی و ابزارهای سیاسی
ایجاد همزمان شاخص‌ها و چارچوب‌ها	شبکه و دانش محلی	تعیین اولویت محلی و راهبردهای ارزش مشترک

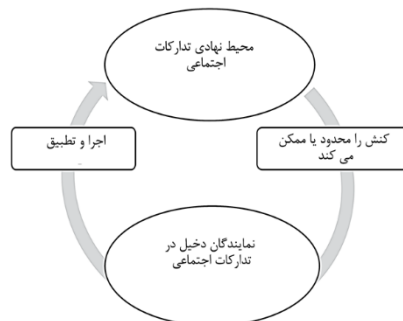
این موضوعات نشان می‌دهند که روش‌های اندازه‌گیری ارزش اجتماعی نه تنها وظایف ابزاری بلکه فرایندهای هنجاری هستند که هر دو تصمیمات خرید و فرهنگ‌های سازمانی را شکل می‌دهند که به طور گسترده‌تری با فرایند تدارکات تعامل دارند که نویسندگان به خوبی به آن پرداخته‌اند. در فصل ششم، نویسندگان بطور هوشمندانه ای رابطه بین نظریه و عمل تدارکات اجتماعی را به عنوان تجلی ترتیبات حکمرانی عمومی نوین بررسی کرده‌اند. آنان در این فصل

استدلال می‌کنند که تدارکات اجتماعی با نگرانی‌های پیرامون ارزش‌آفرینی دولتی اشباع شده است و با حکمرانی عمومی نوین سازگار نشان داده است. آنان معتقدند که تدارکات اجتماعی مرزها را می‌گسترانند و مفهوم اشیای مرزی هم در فهم گفتمان‌های نوظهور تدارکات اجتماعی هم در کردارها و هم در امکاناتی که ایجاد می‌کنند اهمیت خاصی دارند. از نظر آنان هر یک از این ابعاد ایدئولوژیک و عملی تدارکات اجتماعی نیازمند ترکیب منابع جدید، مهارت‌های جدید و روابط جدید بین سیاستگذاران و کنشگران اقتصادی است. در ادامه آنان به مبانی نظری شکل دهنده تدارکات اجتماعی پرداخته‌اند، از جمله نظریه‌هایی که نویسندگان کتاب به آن اشاره کرده‌اند نظریه پیچیدگی حاکم بر مدیریت دولتی و تأکید بر ادغام اعضای متنوع در حکمرانی نوین است. به اعتقاد آنها، مطابق با این تأکید بر پیچیدگی و نیاز به هماهنگی به عنوان یک پاسخ سازنده، ویژگی مشخص‌کننده رژیم‌های جدید حکمرانی با استناد به نظر مندل و برادنی (۲۰۱۴)، تأکید بر ارزش‌آفرینی عمومی و اجتماعی توسط دولت و افراد فعال در عرصه عمومی است، که نشان می‌دهند بیشتر ارزش‌آفرینی عمومی از همکاری‌های بین دولت و بخش خصوصی بوجود می‌آید. از این منظر، مؤلفان با استناد به یافته‌های کست، مندل و براون (۲۰۰۶)؛ کست (۲۰۱۱)؛ کپنجن (۲۰۱۲)؛ راب و میلوارد (۲۰۰۳)، بیان می‌دارند، این کار به انتخاب یک گونه حکمرانی از میان مجموعه‌ای از حالات حکمرانی تبدیل می‌شود که به بهترین وجه با هدف سازگار است و سطوح و انواع تعاملات مورد نیاز برای رسیدن به اهداف را تسهیل می‌کند. بنابراین، انتخاب حالت‌های حکمرانی با پیچیدگی در حال رشد سیستم‌های عمومی دارای پیچیدگی‌های خاص خود است و نیازمند بازآفرینی مدبرانه به خصوص با توجه به تسهیل تعاملات بین نهادهای بیشتر است.

باراکت و همکاران به نقل از دیماجیو و پاول (۱۹۸۳) و ساچمن (۱۹۹۵) و با استناد به نظریه نهادی اذعان می‌کنند که با توجه به مفاهیم جامعه‌شناختی نهادگرایی نوین، عملکرد یک ریختی و شکل‌گیری مشروعیت از تولید هنجارهای هدایت‌کننده رویکردهای جدید تدارکات اجتماعی و انتشار آنها در سراسر حوزه‌های قضایی و بین بخش‌ها وجود داشته است. در نگرش عملی، دیدگاه‌های نهادی در زمینه تدارکات اجتماعی، مناسب تعیین موقعیت محل تغییر سیاست‌ها و قوانین نظارتی هستند. این مورد اخیر در کشورهایمانند انگلستان به چشم می‌خورد که در آن حمایت‌های جدی برای تغییرات در شیوه تدارکات اجتماعی بر سیاست‌ها متمرکز شده است و به ایجاد قوانین جدید برای حمایت از تدارکات اجتماعی در قالب قانون خدمات عمومی ارزش اجتماعی (قانون ۲۰۱۲) کمک کرده است. مؤلفان با استناد به پژوهش‌های مک‌کراون (۲۰۰۴) و آزبورن (۲۰۰۶) می‌گویند که قبل از آن، جنبش حقوق مدنی در ایالات متحده تأثیر قابل توجهی بر توسعه سیاست‌های اقدام مثبت که از تکرارهای اولیه تعهدات تدارکات اجتماعی بر شرکت‌های بخش خصوصی تحت سلطه دولت‌ها پشتیبانی می‌کنند، دارد و با بیان نظر آزبورن (۲۰۱۰) اذعان می‌کنند که حکمرانی عمومی نوین از مجموعه‌ای از نظریه‌های تکمیلی بهره می‌گیرد که

جنبه‌های رابطه‌ای را روشن می‌کنند که اساس رویکرد حکمرانی نوظهور و دگرگونی از ارائه خدمات حرفه‌ای تخصصی به تولید مشترک خدمات هستند. بنابراین، از یک دیدگاه نهادی، نظریه کردار^۲ تصدیق می‌کند که کردارهایی مانند تدارکات اجتماعی توسط نظام‌های اجتماعی ساخته می‌شوند، اما خرده‌کردارهای در حال انجام تدارکات اجتماعی احتمالاً درک اجتماعی مشترک را به وجود می‌آورند. درک نظری اینکه چطور این مسئله ممکن است اتفاق بیفتد به‌ویژه برای تدارکات اجتماعی، هنوز معلوم نیست. با این حال، تحولاتی در نظریه نهادی وجود دارند که ممکن است راهی برای پیشبرد فراهم کنند به‌ویژه، رویکرد دیدگاه‌های مبتنی بر فعالیت یا خرده فرایندها امید بخش است.

مؤلفان کتاب، در ادامه این فصل به نظریه پردازی در خصوص تدارکات اجتماعی پرداخته‌اند و معتقدند که اگر ساختارها بر کنش‌های کنش‌گران خاص اثر بگذارند و کنش‌گران بتوانند بر ساختارهای نهادی اثر بگذارند، در این صورت دو دیدگاه مکمل و نه مخالف هم هستند. باراکت و همکاران به نقل از گیدنر (۱۹۸۴) بیان می‌کنند که ساختارها کنش را تسهیل و مهار می‌کنند و نتایج برهم کنش و همچنین چارچوبی هستند که کنش‌ها در آنها اتفاق می‌افتند. همچنین با استناد به گفته بارلی (۲۰۰۸) می‌گویند که نهادها باید هم به عنوان محصول و هم منابع تعامل و مذاکره در زندگی روزمره دیده شوند. این مسئله نشان می‌دهد که هم کنش و هم تجربه فردی باید در نظر گرفته شوند. این رابطه متقابل که برای تدارکات اجتماعی بکار گرفته می‌شود، در شکل (۱) به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱- ساختار، نمایندگی و تدارکات اجتماعی.

نویسندگان با توجه به نظر چندین نویسنده و نظریه‌پرداز مانند کوپنجن (۲۰۱۲)؛ آزبورن (۲۰۰۶، ۲۰۱۰) و پستوف (۲۰۰۶) استناد می‌کنند که حکمرانی عمومی نوین نقش اساسی در ایجاد فرصت‌های جدید و فضاهای برهم‌کنشی جدید برای گردهمایی مجموعه وسیع‌تری از افراد و نهادهایی که در حال حاضر درگیر سیاست عمومی و اجرای آن هستند، دارد. اثرات چنین برهم‌کنش‌هایی نیز ممکن است از اهداف سیاست عمومی جدا شوند زیرا تعهدات ارزش‌آفرینی

۲ - کنش اجتماعی مکرر و از نظر مادی محدود شده که توسط اعضای یک جامعه صورت می‌گیرد.

عمومی در فضای خصوصی در کردارهای فراتر از رعایت الزامات قانونی و مشارکت مستقیم در ارائه خدمات عمومی تعبیه می‌شود. ریشه تعهدات تدارکات اجتماعی در قلمرو انتفاعی خصوصی در رعایت الزامات قانونی نهفته است، اما از آن زمان در سراسر حوزه‌های قضایی و فراتر از روابط سیاسی و قانونی بین ارائه‌دهندگان خصوصی و دولت‌ها گسترش یافته‌اند. نویسندگان فصل آخر کتاب را به نتیجه‌گیری در خصوص مطالب هشت فصل قبلی کتاب اختصاص داده‌اند. اغلب مطالب این فصل خلاصه‌ای از موضوعاتی است که در فصول قبل نویسندگان به آن پرداخته‌اند یکی از نقدهایی که بر این کتاب وارد هست مربوط به همین فصل است. خواننده پس از مطالعه هشت فصل از کتاب در این فصل که تحت عنوان نتیجه‌گیری نام گذاری شده است منتظر نتایج نهایی برگرفته از موضوعات طرح شده در فصول قبلی کتاب است اما همانطور که اشاره رفت در این فصل چکیده‌هایی از فصل‌های مختلف کتاب آورده شده است، شاید اگر عنوان فصل مروری بر مطالب کتاب نام گذاری شده بود مناسب‌تر به نظر می‌رسید. هر چند که ترتیب فصول و رعایت تقدم و تأخر مطالب به خوبی رعایت شده است. آنان در این فصل نوشته‌اند که ما در این کتاب استدلال کرده‌ایم که اگرچه تدارکات اجتماعی پدیده‌ای قابل مشاهده و تجربی است و نمونه‌هایی از آن را مورد بررسی قرار دادیم، اما همچنان نشانه‌های از مجموعه‌ای از ایده‌ها در مورد واقعیت و ماهیت ارزش اجتماعی و عملکرد دولت‌ها، جامعه مدنی (از جمله سازمان‌ها و جوامع بخش ثالث) و ارائه‌دهندگان خصوصی غیرانتفاعی در تولید آن هستند و به عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، اجرای تدارکات اجتماعی، ملاحظات عملی که در طول این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند را مطرح می‌کند. آنان با توجه به یافته‌های اریج، (۲۰۰۷) و پروس (۲۰۰۷) اذعان می‌کنند که رویکردهای نوظهور تدارکات اجتماعی - از جمله ابزارهای قراردادی جدید و همچنین چارچوب‌های سیاست - نسبتاً کم مورد آزمایش قرار گرفته و فاقد پروتکل‌های روشن برای پیاده‌سازی هستند، گرچه این تکران در برخی از حوزه‌های قضایی رو به رشد است. تحلیل در طول زمان و مکان نشان می‌دهد که انگلستان به طور خاص در اروپا در پیوند زدن تدارکات عمومی با ارزش‌آفرینی عمومی برای بیش از ۲۰ سال فعال بوده است. مؤلفان با استناد به یافته‌های مک‌کاردن (۲۰۰۴، ۲۰۰۷) معتقدند که رهبری خاصی در آمریکای شمالی از هر دو ایالات متحده و کانادا در استفاده از تدارکات برای تحریک تنوع کسب و کار پیوند خورده با اهداف اقدام مثبت وجود داشته است. با توجه به گسترش هر دو سیاست و عمل در بین مرزهای ملی و مناطق جهان، کنشگران خصوصی - به ویژه شبکه‌های جامعه مدنی و برخی از شرکت‌های چند ملیتی - نقش مهمی در این خصوص ایفا کرده‌اند. در حالی که نظریه‌ها و سیاست‌هایی که از رویکردهای جدید تدارکات اجتماعی پشتیبانی می‌کنند هنوز در دوران طفولیت خود هستند اما عمل در حال رشد است و به نظر می‌رسد با چارچوب‌های نظری ناشی از تعدادی از دیدگاه‌ها و رشته‌ها که هنوز بصورت جامع توسعه نیافته‌اند، پا را فراتر از نظریه گذاشته است. نویسندگان در پایان کتاب می‌نویسند این کتاب ضمن به رسمیت شناختن

بحث‌هایی که پیش از ما صورت گرفته‌اند (به عنوان مثال به بُوارید، ۲۰۰۶؛ اریج، ۲۰۰۷؛ اریج و گریر، ۲۰۰۲؛ مک‌کرادن، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷)، بجای آخرین سخن، کمکی به گفتگو پیرامون موضوع است.

منابع

- 1- Considine, M. (2005). *Making public policy: Institutions, actors, strategies*. Cambridge, UK: Polity Press.
- 2- Hood, C. (1995). The 'new public management' in the 1980s: Variations on a theme. *Accountancy, Organizations and Society*, 20(2/3), 93-109. doi:10.1016/0361-3682(93) E0001-W.
- 3- Kickert, W. M., Klijn, E.-H., & Koppenjan, J.M. (1997). *Managing complex networks: Strategies for the public sector*. London: Sage Publications.
- 4- Kooiman, J. (2003). *Governing as governance*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications. Retrieved from <http://site.ebrary.com/lib/alltitles/docDetail.action?docID=10369672> (Accessed 28th May 2015)
- 5- Rhodes, R.A.W. (2007). Understanding governance: Ten years on. *Organization Studies*, 28(8), 1243-1264. doi:10.1177/0170840607076586
- 6- Sørensen, E., & Torfing, J. (2005). The democratic anchorage of governance networks. *Scandinavian Political Studies*, 28(3), 195-218. doi:10.1111/j.1467-9477.2005.00129. x.